

## وظایف بانوان در پرورش افکار

سین مشربی

تستین قسمی که بانوان باید در راه پرورش افکار بردارند ایست که در درجه اول خودشان و بعد فرزندان و سپس خدمه خود را باین اصول معتقد و مؤمن سازند زیرا یکی از نتایج ایسان باین اصول چنانکه سرگشت ملل بزرگ جهان و بلکه منظره ملل امروز دنیا نشان میدهد ایجاد حس شجاعت و غرور ملی در افراد است و این شجاعت و غرور در پیشرفت کار شخصی افراد هم بسیار مؤثر خواهد بود یعنی علاوه بر سود اجتماعی سود فردی دارد بانوان در این عصر دیگر نباید کانون ایجاد ترس برای مردسالان باشند بلکه باید بوسیله گوناگون حس شجاعت و دلیری را در همان کودکی سرشته ذات مردسالان بنمایند و در درجه اول لازم است که خود ترسند تا بتوانند ترسانند. در اینجا مناسب میدانم حکایت کوچکی را یاد آور شوم، « دودو هزار و چهار صد سال پیش یک جوان اسپارتی غلام جنگ بود هنگامی که ساز و برگ خود را مرتب ساخت و خواست از خانه بیرون رود پلدر خود موقع غدا حافظی از راه شکوه گفت ششیرم کوتاه است این مادر در ۲۴ قرن قبل جواب دلیرانه و حکیمانه ای بفرزند خود داده گفت اگر ششیرت کوتاه است هنگام نبرد یکقدم جلوتر بگذار یعنی از نزدیک شدن بدم دشمن ترس ».

نکته دیگر اینکه بانوان نباید نسبت بزرگ و بیانندی که در روزتاریخی ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ بانان داده شد و مقدمات آن در دانشسرای پسران تهران و در کانون بانوان فراهم گردید صرفاً برای تقنان شخصی بظن برند بلکه باید روح آزاد منشی و دلیری و غریزه احترام و تکلفانی مقدمات ملی را بیفز و فل فرزندان خود توفد دهند و بدانند که اگر خواهان زندگانی واقعی و صحیحی برای فرزندان خود هستند راضی منحصر در همین معنی است غوشبختانه سازمان

از آنجا که همه با کجنگاری میبخوانند بنظورهای بنگاه نوزاد پرورش افکار بی برند پیناسبت سستی که در سازمان پرورش افکار دارم بر آن شمع راجع به پرورش افکار بانوان کلیاتی در پیرامون وظایف بانوان در پرورش افکار برای اطلاع خواننده گان بنکارم تا همگان در این زمینه بطور خلاصه بمقاصد عالی سازمان پرورش افکار آشنا گردند ».

### سازمان پرورش افکار منظورهای عالی دارد

یکی از منظورهای عالی سازمان پرورش افکار ایست که افکار افراد را نسبت بیک مسائل حیاتی و اصولی مسلم یکی سازد تا اصلاحات و شوق بترقی زندگانی تکیه گاهی استوار در افکار عمومی بیاید و در پرتو این نیروی فکری احساسات و فرهنگ عمومی متحد و مقاصد عظیم از پیش برده شود تصور می رود نسبت بآن اصول حیاتی و مسلم حاجتی بشماره و تعداد نباشد زیرا فعلا در عصری هستیم که اخبار روزانه جهان بنا نشان میدهد که ملل عالم چگونه برای حفظ و عظمت میهن و نیرومند ساختن کشور و سر فرازی در میان ملل و از پیش بردن اصلاحات و کارهای بزرگ و عظمت دولت و پیشوای خویش میکوشند و چه نذاکارها و جان بازیها میکنند و نسبت آب و خاک و بزرگان خود تا چه درجه محشاس هستند.

تصور نشود که این نذاکارها ارتباطی با حفظ و عظمت افراد ندارد بلکه هر فردی در دوران پیش در این عصر بخوبی میفهمد که حفظ وجود و حیات و بزرگی و شرف و آبروی هر فرد موکول بحفظ میهن و عظمت ملت و نیرومندی دولت و پیشوای او است باین

چنانچه فلزهای گرانبها بشرخ تجارنی بازاری شدن در پایان دیماه ارزشیابی شود خیلی بیش از مبلغ ارزشیابی شده بشرخ قانونی خواهد بود و در نتیجه نسبت اندوخته فلزی به اسکناسهای منتشر شده زیاد تر از میزان قانونی میباشد.

سود ویژه بانك بطوریکه در جدول بالا ملاحظه میشود در سال ۱۳۰۷ بالغ بر ۴۷،۴۶،۵۱،۸۰۵ ریال و در سال ۱۳۱۷ بالغ بر ۴۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده یعنی صد برابر شده است.

رو بهمرقده در آمد ویژه بانك در طرف این ده سال جمعاً ۲۰۲،۴۹۳،۳۵۰،۲۰۰ ریال و در واقع قدری بیش از دولت کل سرمایه کنونی است و بدون در نظر گرفتن امشغال کل کشور و اندوخته ها جمع سود ویژه ۲۷۷،۶۶۴،۰۲۳،۵۵۰ ریال یعنی قریب ۹۲،۳٪ سرمایه کنونی (۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال و قریب ۵۰ میلیون بیشتر از سرمایه پرداخت شده بانك است.

بانك ملی ایران در کلیه نقاط دنیا دارای کارگزاران و روابط بانکی میباشد و نه تنها بانك ناصر اسکناس و عهده دار حفظ ارزش و تنظیم جریان پول و مراقب توازن اعتبارات با احتیاجات همگانی میباشد بلکه در کلیه عملیات بازرگانی و فلاحتی و صنعتی نیز بوسیله اعطاء اعتبارات ببازرگانان و شرکتهائی که بمنظور پیشرفت اقتصاد کشور تشکیل یافته باشد عامل مؤثری در پیشرفت امور اقتصادی میباشد.

بانك ملی ایران در نظر گرفته است برای غالب شعب مهم خود ساختمانهای بنامید و تا کنون در چند شهرستان ساختمانهای زیبایی نموده که کرار و بعضی از آنها و همچنین چند کرار از قسمتهای مرکزی بانك در این شماره منتشر میشود.

فلزی برابر ۶۰ در صد اسکناسهاییکه درخواست انتشار شده است اسکناس تحویل بانك ملی ایران میشود - موجودیهای زر و سیم و جواهرات سنگینتی که ببانك تحویل شده است زیر کلید و نظارت این هیئت میباشد.

ز) هیئت نظارت مرکب از پنجتنفر که جمع همگانی برای مدت یکسال انتخاب میکند - وظیفه این هیئت نظارت در کلیه عملیات بانکملی ایران و رسیدگی حسابها و دفترها و صندوق و نراز ناعه بانك میباشد.

ح) بازرس دولت که از طرف دولت عهده دار مراقبت در تطبیق عملیات بانك با قوانین و مقررات مربوطه و رسیدگی بوضع معاملات و حسابهای خزانه دولت با بانك میباشد.

### انتشار اسکناس

طبق قانون ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۰ بانك ملی ایران دارای چقی انحصاری انتشار اسکناس در تمام کشور ایران شد و حد اکثر انتشار اسکناس بموجب قانون مزبور ۳۴۰ میلیون ریال تعیین گردید.

در تاریخ ۱۷ آبانماه ۱۳۱۵ چون اسکناسهای منتشر شده بفرای احتیاجات تجاری کشور کافی نبود به بانك ملی ایران اجازه داده شد تا میزان ۱،۱۷۶،۱۶۳،۶۰۰ ریال اسکناس در جریان داشته باشد مشروط بر اینکه همیشه معادل لا اقل ۶۰ در صد کل اسکناسهای در جریان مسکوک و شمش زر و سیم بطور ذخیره را کد نگاه دارد.

اسکناسهای در جریان بانك در پایان بهمن ماه ۱۳۱۸ بالغ بر ۹۷۴،۴۴۱،۷۳۵،۰۰۰ ریال و ارزش موجودی فلزهای گرانبها بشرخ قانونی یعنی ۴،۱۴۰،۰۰۰ گرم سیم ناب مساوی يك ریال و يك ریال برابر ۰/۰۷۳۲۲۳۸۲ / گرم زر ناب بالغ بر ۷۱۹،۵۴۷،۶۹۷،۵۰۰ ریال گردید بشرخ زیر:

زر	۳۱۰،۸۰۸،۳۶۴،۸۰۰ ریال
سیم	۴۰۸،۷۳۹،۳۳۲،۷۰۰
جمع	۷۱۹،۵۴۷،۶۹۷،۵۰۰

ترونده و سر افراز و دائماً در خط طهارت اخلاقی سیر میکنند و اوج میگیرند. پس بانوان ما باید بدانند که پرورش افکار از آنها این انتظار را دارد که درس شاعرستی و مین دوستی را از خانه پرستی آغاز و بگرددگان تزیین نمایند.

از آنجا که فکر روشن بستگی کامل به بدن توانا دارد بانوان باید حرکت و جنبش را در داخل خانه تحریک کنند و از سکون و سکوت افراد خانه جلوگیری نمایند. جنبش دائمی خرد سالان مقدمه ورزش درایام جوانی آنان خواهد بود و نیروی بدنی آنان را تأمین خواهد کرد و قالی سالم برای پرورش فکر خوب باز خواهد آورد زیرا الفت زندگانی در جنبش است نه سکون و غود چنانکه بر طاق ایوان ورزشگاه تهران نوشته اند: «**آن زنده والا بوزندگیت**».

برای اینکه آبلت شود زنان ایرانی در انصار گذشته این وظایف را با منتهای ذبردستی و دقت انجام میدهند یا خواننده بیباختی عظیم میروم که در آن سیاحت چنانکه عرفا گفته اند سیر آفاق و انفس کنیم و برای انجام این منظور از این تلخیص هسته در آن هستیم سه هزار سال عقب بر میگردیم یعنی سیر شعوری و شبلی بظهور مینائیم و شاعنامه را جاو میگذاریم تا به بنیم بانوانی که فردوسی را جمع بآنان سخن گفته است دارای چه افکار و رفتاری بوده و تا چه درجه درجات اجتماعی محیط خود تأثیرات گرانها داشته اند هر چند داستانهاییکه در شاعنامه ذکر شده کاملاً با سابق تاریخ وفق نسبی بعد ولی قدر مسلم آنست که شاعنامه پاهر کتاب ادبی دیگری نایبند اخلاق و افکار مردمی میباشد که راجع بآنان سخن گفته شده و آینه است که از پس آن احوال معاصرین آن داستان را بخوبی میتوان دید.

فردوسی در ضمن داستان مفصل افراسیاب و رزمهائیکه او با ایران کرده اعزام جوان دلیری باسم سهراب را باسایه ایوبه پسران ایران ذکر میکند مأموریت سهراب بطوریکه افراسیاب ذکر کرده بود جنگ و ستیز با ایرانین بوده است سهراب در مرز ایران و توران به تقاضای حکمی که نزد سید نام داشته بر میخورد و در جنگی که با سردار دژ میکند از آنجا که جوانی دلیر و فرزنده رستم بوده است و از سمت مادر به پهلوانان توران میبوست در همان حلقه است فرمانده دژ را مغلوب میکند وقتی این خبر بدون قله رسیده هول و هراس ساسانین قله را بگرفت و در آن میان دختری بود بنام کرد آفرید که از مغلوبیت سردار ایرانی چنان بهشم آمد که صورت سرش سیاه شد و غیرت دفاع میهن چنان او را بر انگیخت که پیدرتنگ زره جنگ پوشید کیسوها را در میان کلاه خود مخفی کرد و بر اسبی تیزرو سوار شد و بگردار شیر از قلعه فرود آمد و مقابل سیاه تورانیان ایستاد و صدائی جو رعد از دل بر گشید و ناموشان پهلوانان و سران سیاه توران را بر سرید و مبارز خواست هیچک از رزم آوردن سیاه توران از حماقت دلیری این دختر جرات نکرده قدم جلو نهد وقتی سهراب وضع را چنین دید خود قدم بیدان جنگ گذاشت و کرد آفرید گمان را مستحشد و سهراب را تیر باران گرفت سهراب خود را بر پناه سیر گرفت و حمله ای سخت بگرد آفرید کرد. کرد آفرید دست از تیر و کمان برداشت و با نیزه سهراب حمله برد کرد آفرید با شش نیزه او را شکست ولی از آنجا که قطعاً هم زور با سهراب نبود سهراب موفق شد خود را باسب او برساند و او را از زین بر کرد تنی این گیر و دار کلاه خود از سر کرد آفرید بیفتاد و کیسوان او ظاهر شد

سهراب بداشت که این مبارز پهلوان دختری بوده است.  
شکست آفرید گفت از ایران سیاه  
سواران جنگی روز نبرد  
زانشان چنین اند ایران سران  
چنین دختر آید باوردگاه  
همانا پسر امر آورد کرد  
چگونگی گردان جنگ آوردان

در این داستان روشن میشود که بکشتن ایرانی در ایران شاعنامه چگونه سرحد داری کرده و با چه غیرت میهن پرستانه دشمن تافته است بقیه داستان مفصل است ولی نتیجه اقدام این دختر این شد که مدتی سیاه توران در مرز معطل ماند و در این مدت غیر هجوم آنان پادشاه مصر رسیده و فرصت یافت برای جلوگیری آنان نیروی کرد آورد. بنابراین کرد آفرید وظیفه سرحد دار را بر زمین جز این نیست که نیروی مهاجم را تا آن اندازه معطل کند که از مراکز کشور نیروی چنگی رسد ممکن است گفته شود اقدام این دختر عمل جنگی بموقع مربوط بر شادان ذاتی او بوده است و از تعلیمی یا پرورش افکار عصر خود نداشته است.

جواب اینست که پرورش افکار بموقع صورت میگیرد یکی طریق تعلیمی بطوریکه بنگاههای فرهنگی انجام میدهد و دیگر توری و آبی یعنی کلمی سخنی همچنان انگیزه اصلی شور انگیز افکار عمومی را بطرفی واحد متوجه ساخته و آنها را در پیش برین آن مقصد

پرورش افکار علاوه بر جنبه هائیکه ذکر شد بیک اقدامات ثانوی مهم نیز دست زده است و آن راهشائی افراد است بشیوه زندگانی صحیح و نوین چنانکه در عده ای از سخنرانی ها و نمایشها این مسائل را روشن ساخته است در این نوع مسائل هم بانوان دارای وظایف اصلی و مهم هستند یکی از آنها اینست که چون اداره خانه ها بانوان سیرده شده است باید محیط خانه را متناسب و مستعد برای آمدن افکار روشن قرار دهند مقدمه فکر خوب تحریک فوق است بنابر این بانوان باید فوق احساسات لطیف را که غوشبختانه با روح آنها نیز متناسب است در خانه هایتنگیزانه و پرورش دهند در اینجا دونویه برای ذوق و یک سر مشق برای احساسات لطیف ذکر میکنم و باقی بقیه را بشوق سلیم خوانندگان گرام و انگار میکنم.

اما آن دونویه که برای ذوق است یکی مشغول کننده ذوق است و دیگری انگیزنده ذوق آن که مشغول کننده است گل است و آنکه انگیزنده است موسیقی است خانه ای که باین مقدمات ذوقی آراسته باشد پیشاً ترشده هائی که حامل افکار خوب هستند در آن نزل خواهند کرد و موجب سعادتندی افراد آن خانه خواهند شد و کشوری که سراسر آن را اینگونه خانه ها فرا گرفته باشد سرشار از روح نشاط و آبدانی واقعی است.

اگر از پاکیزگی و سلیقه که دو عنصر اساسی خانه داری است نصرتی نشد برای اینست که خانه وقتی مرکز پرورش گل و شادین نواهای خوش موسیقی میشود کلاً با پاکیزگی و سلیقه انس گرفته باشد فقط راجع به پاکیزگی یک جمله ذکر میکنم و آن اینست که بانوان دیگر یک مقدار محدود آبی را که «**کر**» میباشد پاک کنند تمام پلیدیها و زایل کنند میکروبها نهاده در این عصر باید در خانه ها صابون را جانشین آب کر قرار دهند و پاکی را از صابون بخواهند در اروپا ضرب المثلی است که میگویند پایه تمدن هر قوم را از مقدار مصرف صابون و کالند در آن قوم میتوان بدست آورد و اما سر مشق آن احساس لطیف را که اشاره کردم نوع پرستی و مهر و عاطفه و انسان دوستی است بانوان از آنجا که بعد از گل لطیف ترین موجودات آفرینش هستند باید سر مشق احساسات لطیف و مظهر عطف و نوازش باشند و خدماتی را که در عالم اجتماع بعهده میگیرند از خدمات بهداری و خیریه و اشغال آن بانوان بیوسته باید مندرگباشند که زیباترین همراهی در جنگ بریده میبارتنگدستی است که او را پرستاری میکنند با بهره پیش است که کرد و لغز خانه را از زلفان او بشویند تاخ باشکوه هنرستان دختران که از دل زمین رفته و تا زینت آسمان سر بر آورده است و نسو نه ای از عاطفه خاندان جلیل شاعشاهی است برای ما ایرانیان باید سر مشق بزرگ باشد. نژاد ایرانی در موقعی که ششونت جاهلیت در اقوام مجاور او چنان حکمفرما بود که بکدیگر را پاره پاره میکردند دارای حس انسان دوستی بود بنابر این بانوان ایران در این عصر باید بقدری سر مشق احساسات لطیف و بیکی و نوازش باشند که بنوع بیستان اطراف دریا ها و آبناوسها بجهانند عاطفه بشر دوستی در میان ما ریشه سه هزار ساله دارد.

در فوق یاد آور شدیم بانوان باید خانه ای را که با آنها سیرده شده است با قائم داشتن چهار رکن سلیقه و پاکیزگی و پرورش گل و نواهی موسیقی آملیه بیوسط افکار خوب و روشن سازند وقتی خانه با این مزایا آراسته شد قطعاً بآن خانه علاقه پیدا میکنند و ساسانین خانه از بند و ملذذ و فرزندان دیگر وقت گذرانیهای بی ترتیب و فاعده را در خارج خانه از دست خواهند داد و اکثر بایکدیگر خواهند بود. کثرت آمیزش میان آنها علاقه ای علاوه بر علاقه هم غونی ایجاد میکند که آرایه علاقه انس و عشق گفت. در چنین خانه ای متملی از محبت فروخته

میشود که نام افراد خانواده در هر لحظه که فراغت یابند در بر امون آن حلقه خواهند زد برای آبتن کردن این خانه و روشن ساختن این آتش مقدس بر فعالیت و پشتکار و بانوی خانواده طبعاً افزوده

میشود و مجموع این عوامل روح خانه دوستی و پندر دوستی در سکنه آن ایجاد میکند و این روح است که مقدمه میهن دوستی و شاه پرستی است.

یونانیان قدیم که بیهن پرستی شهره آفاق هستند این مرتبت اخلاقی را از خانه آغاز کرده اند. یونانیان قدیم در خانه خود آتشی داشتند که همواره در آتشکاهی فروزان بود و آنرا اجاق مقدس خانوادهمی نامیدند تعالیات زن و مرد خانه درایام صلح برای فروزان تر ساختن آن آتش بود و نیروی جنگجویی مردان در موقع نبرد برای حفظ آن اجاق بود و اکنون ما باید چراغ انس و محبت را بیکلیتی که اشاره کردم در خانه ها بزرگواریم و جانشین آن اجاق قرار دهیم و باید متوجه باشیم که چون میزان ثروت و سعادت اجزای هر ملت و کشور مجموعه ای است از تعالیات افراد پس وقتی نیروی تعالیات افراد یعنی ثروت کار و تولید ثروت مردم برای روشنتر ساختن و حفظ چراغ عشق خانوادگی افزون شد و علاوه بر این تعالیات ها همواره در طرف پاک و متره بظهور بیوست مردم کشوری که از چنین نمئی بزرگ بهره مندند همواره

شدت نوسانهای الکتریکی را تقویت و سرعت آن کاسته و قوه مغناطیسی آهن ربای پخته کو را کم و زیاد نموده و در نتیجه نطفه آهنی مقابل پلنگ کوردا مرتعش و اسوانی صاف و پیک بگوش ما میرساند که اکثر دلکش و نشاط انگیز است. این صدا وقتی صاف و پاک بگوش ما میرسد که امواج مزاحمتی نام پارازیت یا انگهائی هوائی در میان نباشد و اگر چنین انگهائی وجود داشته باشد صدا مبداهه که بجای شبنم نجات خوش چه پلائی بگوش ما وارد میشود خرافات هم در منز پک فرد در حکم پارازیت های هوائی است که نیکندارد هیچ فکری صاف و روشن از آن تراوش کند و انگاریکه از منفر خرافاتی بیرون آید مانند همان صدا های ناخوار و آلودی پارازیت دار هدایس است الهی.

سر گذشت ملل اروپائی در دوره قرون وسطی بر است از مباحثه در اطراف خرافات و موهومات که کثیشتان واضع آنها بوده اند در کشور ما بخصوص در دوسه قرن اخیر برای تولید و نشر خرافات پک سازمان مرتب و قوی وجود داشت بطوریکه مردم این سازمان بهر مجلس و اجتماع که میرفتند و یا اگر احیاناً چند نفر صرافت طبع دور یکدیگر جمع میشدند فوراً قسمتی از خرافاتی که سرور ایام بر آن وارد شده بود نقل مجلسشان میشد یکی از آثار برجسته حکومت نورانی امروز حمله سخت بسازمان خرافات باقی است که در چند سال اول خود آنرا از هم بشد و سپس نشر فرهنگ و قوانین کشوری سران این سازمان را خلع سلاح کرد. بنا بر این جامعه معاصر ما میتوانست خاطر جمع باشد که از کرده وضع و نشر خرافات تازه مصون است ولی بدون شك خرافاتی هسته قبل از این بتائین گوناگون بنزودل این مردم وارد شده در افکاره نشین و پک مبارزه خاصی لازم است تا یکی افکار عمومی از آن ته مانده هابز شسته شود زیرا پرورش افکاریکه مقدمه دارد و آن خالی شدن افکار است از موهومات سابق البته قسمتی از این مبارزه بخودی خود در آموزشگاه ها انجام میشود ولی قسمتی دیگر از این مبارزه را هم خانم ها باید بعهده بگیرند.

مقصود این نیست که بانوان کانون نشر خرافات باشند بلکه میخواهم برسانم که یکی از وظایف اصلی خانمها در پرورش افکار مبارزه با خرافات است یعنی وقتی خانمی کمر برای مبارزه با خرافات بست البته خود وسيله نشر آن نخواهد بود.

چون ممکن است خانمها پیش خود راجع بناسبت این وظیفه که برعهده آنها گذاشتیم اندیشه نماند تا جزو بجز توضیح شود که چون احوال مللی که اسیر خرافات و موهومات بوده اند از این جهت است که زبان آن ملل در درجه اول اسیر خرافات و کانون نشر آن بخصوص در میان نژادها خود و غیر معلولان بوده اند از این جهت است که از زبان و دختران تربیت یافته این عصر همیون این انتظار است که نه تنها خود را کانون نشر خرافات قرار ندهند بلکه با آن مبارزه کرده و اشکان مردم جاهل و عوام را از موهومات منحرف و افکار اطفال و نوجوانان را بیوسه با توجه بحقایق حسی و روشن پرورش دهند. علاوه چون مبارزه با خرافات کاری پس پشتوار و نیروی بیان خاصی میخواهد که بیشتر عداوند این نیرو را در زبان مادر بودیم نهان و کشفه از زبان برای تقریباً جهت انجام این مقایق اجناسی فراغت بیشتری حاصل است این مبارزه مقدس در وظیفه جامعه بانوان روشن فکر قرار داده شد تا در انجام وظایف خود در راه پرورش افکار گامی پخته بر داشته باشند.

ببین دارم آنچه را که بنام وظایف بانوان در پرورش افکار ذکر شد اکثر آن را بانوان جامعه معاصر متوجه بوده و قبلاً بکار بسته اند زیرا اقدام تاریخی دیدگاه ۱۳۱۴ از همان موقع جامعه بانوان را متوجه بزرگی مقام اجتماعی و وظایف خویش ساخت بطوریکه در ظرف همین چند سال پرورش روحی و فزونی بانوان و دختران ایران پایه ای پخته رسیدیم ساعت رژه دختران پشاهنگ تهران در روز سوم اسفند و داوطلب شدن عده زیادی از بانوان برای فرا گرفتن فن خلبانی گواه بر این معنی است مرا بهت بانوان در اینک دختران خود را با آموزشگاهها بسازند تا فکر آنان در کانون حقیقی پرورش یابند زیرا بر همانی روشن در وظیفه شناسی بانوان میباشد بطوریکه در سال تحصیلی گذشته عده دختران دانش آموز بالغ بر ۹۲۰۰۰ تن یعنی در ظرف چند سال اخیر صدی بیست دانش آموزان کشور را تشکیل داده اند.

بر مایگزید. چنانکه استقلال بلژیک از هلند بر اثر تأثیر پک ناپس بود که در شب ۲۰ اوت ۱۸۳۰ داده شد موضوع این ناپس و حرکات بازیگران حضار را چنان بر انگیزت که از نشانشانه با هزم جزم در تحصیل استقلال بیرون ریختند و با اقدامات بسیار بنصود رسیدند. عمل ایندختر نیز قطعاً افکار عمومی هم مهتبان خود را در دفاع مهمن سخت بر انگیزت است چنانکه در تاریخ قرون جدید فرانسه هم نظیر آنرا در داستان ژندارک میتوان یافت.

در داستان کبیسرو بخوبی می بینیم که قطعاً مادر کبیسرو او را در کشور دشمن توانست است بآین و روح ملی تربیت کند و آینه بر افتخار ایران را تأمین سازد چنانکه وقتی کیو را از ایران برای یافتن کبیسرو و بتوران فرستادند او پس از نجاتهای بسیار دیدار کبیسرو متوقف شد بیدرتک کبیسرو که توله او در توران یعنی کشور یگانه و دشمن بوده از احوال پادشاه و پهلوانان ایران بکایت جویا میشود کیو پس متعجب شده از او میرسد که از کجا این چنین با نام و نشان پهلوانان مهمن خویش آشنا شده است کبیسرو اینطور بلا جواب میبهد:

بگو گفت کبیسرو ای شیر مرد مرا ملاحظه این از پدر یاد کرد امیدوارم این چند قسمت که بطور نوبه در اهمیت و درجه تأثیر زبان داستانی ایران در سر نوشت جامعه ایران ذکر شده کافی باشد که برای سازمان پرورش افکار انتظارات بزرگ از بانوان معاصر ایجاد کند زیرا هیچ نیروی شدت تأثیر گفته مادر بخصوص در دوران طفلی در افراد نیست و این نیروی بزرگ را حیف است بانوان مهمل گذارند باید افتخارات ملی را چنان برای کودکان نقل کنند که از همان کودکی غرور ملی باحفظال شمیمه شود و احترام بمقدسات ملی و پیشوایان بزرگ را چنان باید باطفال تزیین کنند که جزء عقاید ذاتی آنان شود.

یکی دیگر از وظایف بر جسته بانوان در راه پرورش افکار عمومی مبارزه با خرافات است. خرافات و موهومات یعنی خیال پانهایکه یاد کلو عصر نادانی هر قوم میباشد که صدای آنها را بصرف جهالت پخته اند و بعضی دیگر صدای خیال خود برای اداره افکار عوام مسائل باطل و غیر واقعی را از پیش خود تراشیده اند این دسته از واضعین خرافات چنین پنداشتند که چون عوام حقایق امور را چنانکه واقع است ادراک نمیکنند و ممکن است از غلطیات اجناسی بخصوص در اعصار قدیم که حکومتها در میان مردم نفوذ کامل نداشتند سر باز زنند بنا بر این برای اداره فکر آنها مناسب خواهد بود که از امور غیر واقعی و موهومات طبعت بترسند و یا نسبت بچنین امور امیدوار باشند یا باصصلاح خود مدانی سر بر اه باشند و عصبان بوزنند یعنی جهت واضعین خرافات در میان هر قوم بیشتر کهنه معابد و مباشرین امور مذهبی بوده اند. و باین دلیل است که خرافات هر قوم از بدو بشریت تا کتون کما پیش بندهب آن قوم پستی یافته و یکی از زیادهای آن صدمه بحقایق مذهبی بوده است. یکی از سووم افکار در میان هر ملت خرافات است بطوریکه ذکر شد واضعین خرافات بیشتر مباشرین امور مذهبی بوده اند ولی ناشرین آن بیشتر بانوان هر قوم بوده اند لطف بیان زن و نیروی سخن مادر را واضعین خرافات بیوسه وسيله نشر خرافات قرار میدادند و کار خود را از پیش میردند. گین بکیم باید ذکر شود که خرافات حتماً لازم نیست مربوط باصهار قدیم باشد گچین در عصر جدید هم خرافات وضع و نشر میشود مثلاً داستان حاجت خواستن از توب مرواید در شب چهار شنبه آخر سال البته از خرافات قرن اخیر تهرانیان بوده است.

از آنجا که فکر برای بشر از آن جهت آفریده شده است که صرف اختراعات و اکتشافات و یافتن طرق صحیح برای زندگانی بشود بنابر این هر فکری کارخانه است که اگر خوب کار کند و جرح های آن آلوده بپواد خارجی و غامد گشته نشود و زندگ نزنه از آن آثار روشن و بر جسته بروز خواهد کرد که هر پک منشاء پیشرفتهای نوین در زندگانی فردی و عمومی میتوانه باشد.

بنا بر این هر گاه دستگاه فکری افراد هر ملت یا اکثریت پک قوم صرف خیالات باطل شود دیگر نمیتوان انتظار داشت ازین افکار آلوده اختراع یا اکتشاف یا نتایج سودمند صنعتی و ادبی بروز نماید و مردمی که اسیر خرافات شوند البته از زندگانی صحیح بلامیانتد میتوانیم دستگاه فکری هر فرد را بدستگاه کیر نمده امواج را بدو تشبیه کنیم دستگاه را بدو هر گاه سازمان داخلی آن مرتب باشد امواج الکتریکی را بعضن تصادم با انتن خود گرفته

